



جزیره زمامت مقرر گردیده اعلاحضرت پادشاه انگلستان متجاوز از یکبار لیره عمدا فرموده بعضی از کلبههای محاربی انگلیس نیز هربک بقسوت هزار لیره و بیش و کم داده اند از اطراف نیز بیرون رفته و چه نامه فراموشیاید در بعضی از شهر های بزرگ دیگر انگلیس از قبیل ( لیورپول ) و برانستول نیز تأسیس صندوق امانه نموده مشغول جمع آوری وجه امانه شدند فعلا از صاحب منصبان انگلیس و غیره گذردند و کلبه کتون بوده نیز در این حالت به مقفول و محروس و تلف شده اند قسوت نامور نقطه مزبور در نهایت نظماً ماونت نامورین اطاقاً حریق بمخلف و محروس عیسای و بلیک های شهر مشه و اند و نیز از زنجیر فرقی الوده و میدان اسپدوانی اردو در مقامت کرده اند بهر جهت فروران و یکشت و زرع نیز خسارت چندانی وارد نیساده است

دسته ای نامور زمامت منکام روز زلزله در سنه و سببی منظور انعقاد مجلس فلاح بوده که تا کپان دهایی مزبور لرزش و نجوشی روز نموده خسارت خوراً بیرون داده و بهجهای که در قریب بنای من بوده بوده پاره شده اند و بندر و اسکله کتی طوری وحشت و هيجان از مردم مشهود بوده گمانش موجب رفتن چنانکسبب از وقوع زلزله حریق عظیمی بروز کرده و صدعا از اهالی در میان آتش مانده زس و بیش راه گریز مسدود و فریاد و فغان از گرفتاران بلند بود بعضی از فقهبچان بیوه فروش با بدو چند بسیار هفتصد نفر از آنها را نجات دادند

از تمام نقاط عالم لشکراهای نسبت و اظهار تأسف از این مصیبت وارده بر طایف انگلیس با اعلاحضرت پادشاه انگلستان رسیده است بنا بر این بعضی از وقایع نگاران روزنامه انگلستان و بندر که سابق در زمان بیگ مندرجا فرو میزند و به امت که قسمی از شهر در دریا فرو رفته بکلی معدوم گردید • چنانکه چراغ هادی جهازات یکی مانده شده است یکی از کلبههای ( ها بورک ) ذهاب و الیا بجهای خود را را با بیگ بیهوده سبق آذاخته زبیرا در عوم بلدی و برینهای آتیانوس از زلزله اختلاف کلی همر سیده و قبل از تحقیق و تعیین راه کتی رانی در نقطه مزبور در صورت صحیح و سالی نازد • ملکه انگلیس و ولده و مشرف نیز هربک مبلنی مقابله بمشروع زمامت لیک فرستاده اند ولی از قرائر آنکه بکوبند عنقریب قحط شدید مابین اهالی اینا بروز خواهد کرد • و وجه نقد

برای آنها بی حاصل و بیفایده است زیرا اذوقه ملب است و باید از نقاط دیگر باها برسانند خسارت مملکت به مابون ایره ( متجاوز از سی کرویر تومان ) تخمین شده است کلبههای چه انگلیس در ( کلبه کتون ) محاسبات و همامله داشته اند • ولی بر حسب قانون در صورت وقوع زلزله از مملکت خارج چند بعضی از کلبههای من بور از ادای خسارت معذور خواهند بود • عمده خسارت باسکه و توقفاک و ذخایر کتی وارد آمده که منکام وقوع زلزله تلاطم و طغیان در قریب الماده بوده و سهل ماند آبش و عمارات ساحل و خراب نموده و برده است از قرائر مذکور بعد از زلزله شدید بلندروز زلازل حقیقه نیز در کار بوده

وقایع نگار روزنامه طبیس خود در واقع زلزله حاضر بوده و شرح آریا این قسم مجسم میشود در یکی از کوجهای متوسط الو سه شهر کلبه کتون عبور میکردم بنا کسبب زمین شروع بارش نمود و هزاران هزار از اهالی بشکال مختلف و بالیدن سرش از درهای آنها بیرون دوید و از طبقات فوقانی یا این می آمدند مشاهده کردم که عمارات و غایب از هر طرف مثل برگ خزان فرو میریزد و از شدت گرد و خاک کسوتی آری تیره شهر را فرا گرفته و نامدی چون شب تاریک هوا بکلی تاریک و از آرز کرد و خاک صورت من مانند سیاهان افزایا کردیده بود • مرا جمت بمسکن خود نموده آریا نیمه خراب یافتم • و اجساد جمعی از سکنه آن محل را دیدم که مجروح و خورده شده در ایوان جلو عمارت ریخته اند • شخصی را دیدم یکتای پراهن و بریشان خاطر پس از چند دقیقه صحبت با مشا و اله او را شناختم که یکی از اجزای سابق مجلس پارلمان بود که محوری خارق الماده از مرگ جسته بود • ساکنین

هو تلهای بزرگ خراب شده در روی هو تلهای مپخوابند و ( سرما کوسن ) بخاره ( آرزوی سابق انگلیس ) که در سیزدهم ماه گذشته برسم همای و وارد این مریزیم شده بود در بزرگوارها و از سنگ و آجر رفته بدتر است بدی مشغول است

بنابر راپورت های اخیر واصله از کلبه کتون عمده تلف شدگان و مجروحین آنها پیش از آنست که ایضا گفته و شنیده شده بود چه علاوه بر آن که منصد نفر دفن شده بکپنرا نیز غیر مدفون باقی هستند تا کنون شناخته نشده اند و عدد مجروحین

بسیهزار نفر تخمین شده که بکپنرا نیز از آنها جدا خاستن بسیار سخت و موجب و مشتات هر شهر بکه از این نقطه وحشت آریا برسد هر چه بمن بد خوف و مشر بر کثرت خسارت است سرزبان بحری امریکا سر امیرال خود بکپنرا کلبه کتون داخل شده و در محلات جامعتره در بک کردن معیار و حفظ اموال و رعایت حال مصیبت زدگان ماونت و مراقبت کامل نموده اگر چه گویا ورود و دخول آنها با کلبه برخلاف میل و رضای حکومت جزیره مزبور بوده و عمل عمن از روی اسبابیت و نوع برقی آنها مورت کتکتو های با کلبه کتی و عاقبت منجر با ستغای مکاران جزیره مزبور از حکومت لغاشده است

بالای خرابهای کلبه کتون کر کس بسیار دیده میشود کدسته دسته بهر طرف طریان مینمایند و از حرکت و هجوم آنها سرف مینی محل اجساد تلف شدگان معلوم میشود و نامورین بیومه اجساد راجع کرده می سازند بوی نفونت اجساد مملی را قرا گرفته و کثافت فوق الماده اردوی مصیبت زدگان مایه خوف و تشویش است که سبب بروز امراض مختلفه کردد

از قرائر راپورت اخیر که از کلبه کتون رسیده اهالی اینا مجدداً جرئت و جانی پیدا کرده و مشغول تعمیر و اعاده و ایل ماریله و مراده راه آمن و لکراف و غیره اند

وجه نقد و آذوقه کاملی هم مقدار کفایت از اطراف برای مصیبت زدگان فراهم و حاضر شده است از قرائر اخبار و نامه اتکراف از راه بلای تخت هالاند جزیره سهبالو از جزایر هند شرقی و شرقی دولت هالاند است روزیازدم ژانویه و آ بر فرو رفته و تقریباً معدوم گردیده است بکپنرا و بلصدقیر تلف شده اند و زلزله های شدید متوالی هم روزوزه در آنجا واقع میشود حکومت جزایر هند شرقی از معزود بدست جزیره مزبور به باوزم مسارت و احاطه حرکت نموده اند

روزی نجات روسیه مقبلاتی در باب مدیة استغیالی قحط و غلاد در بعضی از ایلات روس نفاخته اند که مملکت آنها با بیست رقت و ورزش دلهاست چنانکه از قرائر مذکور در ( ترقی نوسفرود ) اهالی وارانی خودشان را تماماً فروخته و اندمجهی غذا تحصیل کنند ایندو اغلب کرسته و فقط نان جان آرند اعلاحضرت امپراطور المان در موقع عید میلاد خودشان چنین حکم صادر فرموده اند که بقصری که کشتا و تعمیر نشان خلاف و مجبانت بعضی اعلاحضرت امپراطوری باشد مقفول و آزادند

مگر آنکه در قفسه و خجالت صدقه و آسیب جانی نسبت بایشان بودم. اما بعد مستوجب تنبیه و مجازات خزه اند بود. بیلا و اعلا حضرت امیر اطو را در تو قع نمود جوی و ایام تیزات قافه و مناسب با سیه بابل نمودند.

اینکه دولت روس تصمیم نهم نموده که به همین زودی با ما بجوری و ناخوابه نماید. در اقطار و زارهای خارجه، دول اروپا و در زارهای زایون آری نیک بخشیده است.

یکی از چراغان مرفوق نظمی اطو پس موم به (دوان) مالهجه جدیدی برای مرض ذو سنطاریا کشف نموده و مجلس حفظ الصحه دولتی ارائه داد است. این مالهجه سر وی است که از خون خرگوش پس از گردیدن ماهه مرض باین گرفته میشود و قلعای جراح مترااله مدعی است که بدین وسیله بسیار آری از عساکر را بجوی مالهجه نموده است.

عصول معادن طلای افغانی جنوبی دریاه سامیر گذشته پیش از هر ماهی بوده چنانکه وزن کبینه طلای کازماندن مزبور دریا مذکور استخراج شده متجاوز از نصد و چهارمزار (اتر) است که هر اتری شش مثال بوده باشد (خدا برکت بدهد). حاصل شش ماه معادن طلای مزبور مدت ما را ملی وغنی بولگ ملی ما را از بیات سرماه و زحمت تحصیل و جمع آوری نتوانه مستغنی مباد از نفوس ها اگر از خود سرچشمه های رود و روت هم داریم هنوز بمانند چشم و دستمان پست و از بی دانستی و غفلت مستغنی مبادت بیکان کنوده و سودش بنگر از دست ما رود باشد.

نتیجه انتخاب دومی روس روز بیست و هشتم ژانویه در بطن زبور غرضاً مطیع و اعلان شده معارف این است که قوهای کازرو و تروفوق و انبوهی متوسطه الحاقه که تا اسی صرف و هرج و مرج مایند و هملاً سلطنت مستغله و اسبق داده اکثریت فوق العاده مسایبه و درجه چاهن تنجین مانند اما آشوب طالی و رومیه این تنجه و اسخسکی و جعلی وغیر از ترا اراه خذلان و شکست فرقه اپرال (آزادایان) میدانند.

سخت گیری دولت علیا بران بعضی جرائد لامبول از قبیل روزنامه (لوانت) هرا دل و ترمان حقیقت وغیره در بابها نقد سکسر ولی جشن سالبانه که جناب اشرف پرنس الملوه امیر تویان سفیر کبیر دولت علیا آن برس همول سنوات ماضیه برای مدرسه و سرخانه ایرانیان در سفارت سکبری

منقد داشته اند. فصولی مشروح نکشته که فقط ترجمه مقاله جریده (لوانت هرا دل) ذیلا مندرج میشود.

در روز بدناظر در سفارت ایران انجمن عظیمی منقد گردیده و مقصود این مجلس گفتگو در ترتیب دادن جشن سالبانه برای مدرسه و سربخانه ایرانیان بوده است جناب اشرف پرنس اشرف الملوه معین را بیکال عمده و بهرانی پذیرائی نموده و پس از آن قاعده مجلس غرض و مقصود از این اجتماع را بخصار اظهار داشته و صمم شدند که جشن مزبور را در درهم مامقوره آینه و وساعت بدناظر در طول راهی سفارت کبری منقد دارند.

به دینزین کلیات برای ترتیب دادن این جشن اهل مجلس اجزای جدید انتخاب و کمیته مخصوصی تشکیل دادند که اجزای آن از این قرارند:

- جناب (حقق بیگ) رئیس • مسوور و لولا
- بیگ (کاتب) مسو (کر سن) سند و قدار
- جناب (رشاد بیگ) • قویاس اقدی
- (مسو مارتن) • (مسو کارا قوزول) • (شمه دایان خان) • (وار این اسلایان اقدی) • (سپوزوون الیاسوف)
- اجزای کمیته او قت جناب حقق بیگ کف کال خو شیخی را دارم که بتوانم مراسم این جشن را بجوی فراموشیام و برای اینکه شایع چنین انجمن خوبی از دست رود خوب است همه که منقد شد صورتی از اساسی چند نفر نوشته شود تا بولی برای تخریج این جشن حاضر نمایند. این مطلب با سکمال شف پذیرفته شد و فوراً جمعی مقبول شدند که میامی در این راه کمک نمایند.

ما تاریخ این جشن را که هر ساله منقد میشود و امتیاز از سایر جشنها در صفا محسوس کرده اند. میبوییم نایشکه این جشن از سایر جشنها بیکه برای امورات دیگر منقد میشود امتیاز داشته و مستغنی باشد. هیئت تنجه انجمن اداره سربخانه مظفریه و دبستان ایرانیان در اسلامبول در بیعت سکبری در این مقام اجتناب ..... اشرف پرنس اشرف الملوه سفیر کبیر نوشته اند که دلیل بر کمال خشنودی و رضای عموم بپسند دولت علیا براناز جناب پرنس مزنی له است و خلاصه سوادان از قرار ذیل است: قربان تویم (اینکه نظر مرحمت و توجه مخصوص حضرت اشرف سفارت بناهای پیوسته بفرام آوردن لیباب رفاه و اسایش عموم بپسند دولت تویشوک متبوعه مقیمین اسلامبول معلوف و رحمت طالی دائماً بحسب قفلت حقوق بپسند وزیر دستمان و اسکال نواقص امور اداره دبستان

و سر بخانه مظفریه که برای تنجیم و ترتیب اطفال و نوبلوان وطن و بقیه صحت و حیوانات غربی و تقریری ملت مصروف بوده. مقام عمومی و جالب تشکر و سپاسداری همه مایندگان است غلغه در این اوقات ده مجله باره موارد عمده این اداره مقدره متحمل زحمات بلی بلی برای تکمیل مجلس انتخاب و ترتیب انجمن شده بپسند الله هم دریاه صرف همت و صفای نیت حضرت مستطاب عالی بجوی غنایانجامه و بموجب امر مطاع روز شانیه و هم مینامدنی انده سنه ۱۳۳۴ انجمن خبریه در اطاق مخصوصی مشتمل بر تمامی اعضا و هیئت منتخبه منقد و در حلقه کتاب آقای حاجی میرزا موسی خان بقیس دفتر غلاموشی اول سفارت کبری که به سمت نیابت از جانب ریاست کل اشرف حضور بخشیده از طرف

جناب ..... حاجی شیخ عبدالرحیم اقا که مخصوصاً همان روز افتتاح دعوت شده بودند خطبه مشتمل بر مدعا کرمی ذات ماسکونی صفات بشیرگان اعلا حضرت قدر قدرت اقدس هایدون ظل الهی را و صلواتی تقداد وجود حضرت صفات بناهی خواننده همه دست بدرگاه خداوندی برداشته آیین خوان شدیم ذیل از شرح مختصراً که مهمات دبستان و سربخانه اعلان موقوف شدن سه مجیده و نیم نیت علم و خیر را کاز اسلایان دراز از صحیح ذوی الانهاج بکرتن و توفیق سفارت کبری برای نهایت مجلس و جاب دعوات خبریه بقیای عمرو شوکت ذات اقدس ما و کانه بپسند فرستاده شده بود بایب و اسکت قرائت نمودند موجب مزید امتنان و دعا کرمی مجلس بان گردیده فوراً بپسند بپسند دولت تویشوک مقیمین این شهر بشارت این لطف عالی و احسان عظیم داده شد که همگی بدل و بیکجهت دعا کرمی ذات اقدس شاهنشاهی و وجود مبارک آن نمایند و متبوعه مقیمین اشتغال و زیندند در مقابل اینه اسباب رفاه و آسایش که از مد های مدید نورود حضرت اشرف سفارت کبری بلی شیر نیمه و ملت از آن محروم بودند خودمان را بدلول انجمن شکرتم از آن بدنگم مدیون بادی شاکر از آن دانسته بدست منتخهی که دارم از طرف عموم بپسند و ملت برض بن سربخانه تشکر به مبادت نموده همه پشاهان از دوگاه خالی بی نیاز خود اسکتکار کم نظر و کفایت و علوفت بدنگان اعلا حضرت اقدس شاهنشاه عدالت اکتناه را که دولت بدنگان بپسند و عمرو و اوقالی فرایندند: بر سر مایندگان مستدام فرموده و وجود مبارک حضرت سفارت بناهی را بنیاز مکاره مصون و عمرو اجلائی را افزون نماید این عازمه از خیل ملک

آمین باد  
 ( قل الحاح محمد رسای دیلمانی ) ( الحاح رسای  
 قل خراسانی ) ( الحاح زین العابدین ) حرم فروش  
 تیریزی ( اقل الصادق میرزا حسن احمد بن محمد العجزی )  
 ( اقل الحاح محمد یوسف اردو بادی ) ( اقل زین العابدین  
 مرغانه الحاح احمد تیریزی ) ( عبدالرحیم همدانی )  
 و غیره و غیره

تاریخ جاوس بادی هاوس هایونی

آقایزاده هادی خان معروف بن زاده عکاس که  
 از ماریف ارباب دانش و هنر است قطعه در تاریخ  
 جاوس بمیون بدکان اعلم حضرت اقدس هایون  
 شاهنشاه اعظم ( محمد علی شاه ) ارواح فاداه سروده که  
 تینا در این روزنامه درج و ثبت میشود

( قطعه )

- ( زنده ایرانیان دو تنخواه )
- ( مجلس پشینه جبهه )
- ( شه محمد علی که خواندنیست )
- ( آفتاب مالوک و نخلاله )
- ( شاه کبکی ستان مهر سرور )
- ( آنکه دو دفترش تارک نامه )
- ( از سر راه بود و آفت )
- ( و زنده ای همه بود آگاه )
- ( بر آست از مالوک روی زمین )
- ( در کماله حال و رفت و جامه )
- ( ملکا و سرو اعدا و ندا )
- ( که کشا راست در ده بنامه )
- ( نوحی باز گاه به نام نعت )
- ( ذکر خیرت فاداه در افرواه )
- ( شکر تو واجب است از آنکه خنق )
- ( نکای جز چشم لطف نگاه )
- ( شکر کنون در از دستی ظلم )
- ( کشته از تیغ عدل تو کوناه )
- ( کتبه بن هادی حسن زاده )
- ( که بود کز خاک آذر نگاه )
- ( سال جشن مجلس شورا گفت )
- ( که محمد سعادت شاهنشاه )

۱ ۳ ۲ ۴

( غرض بااعلان )

باعاق ارباب دانش و بلنای جهان کتاب کتبه ستان  
 شیخ ایل سیدی شیرازی که در پی در رفت مقام

و فضل کلام و اسلوب بلاغت و روش انشا و لطایف  
 حکمت و آداب معصت و دستور زندگانی و سیرت  
 جهان باقی و هدیه اخلاق و مودت و مودت و حکایات سودمند  
 در زبان فارسی نغشین کتاب است و نوادر عبارات  
 و فرایده استعاراتش نقل هر الفین و سر مشق مترسین  
 و اهل سخن و با لجه چندان مشهور در جهان است  
 که بیاز از تو صفت کاک و پیمان هر مستندان و  
 بی شبهه چون این کتاب با پیراه های طبع و عوامی

وری نیز جمع آید نور علی نور است

( حریف مجلس ما خود همیشه دل میبرد )

( علی الخصوص در بیایه بر بوند )

تا باین کوکم در این اوقات جناب جلاله آقا  
 میرزا حسین خان متین الممالک ابن مرحوم میرزا  
 قهرمان امین لشکر شاه کاه ارومه حسب و  
 سیرا فرعی بار و راست و در دانش و ادب معروف  
 و مشهور این کتاب مستطاب را با نر ای کتبه  
 و محتاج کراف طبع رسانیده که عموم مردم بوز  
 نوایگان وطن و شاگردان مکاتب و مدارس آن  
 سود کمال و حظ وافر برند

( اما نازیا ) ( شرح حال شیخ سیدی علی الهارجه )  
 شیخ شیخ اجل که در صدر کتاب از روی بدست کار  
 فرنگی نقل در رسم شده است ( فهرست اسامی  
 اشخاص و اسامی مذکور در کتبخان ) ( ترجمه

لغات ) اهتمام تمام در صحت کتاب

( تل فروش ) ( زیر شمس الماده حجره آفتاب  
 حسن کتاب فروش ) ( بدین شمس الماده حجره  
 کتابخانه شراعت ) ( بیجه کتاب فروشا حجره  
 آقا سبیل تلجر کتاب فروش )  
 قیمت هفتزار و دوشصتی ردمیک حق فرو شده  
 است

بیم شرح حال لشکر نجات

بدان باز فوجی از لشکر نجات را در بعضی از شوارع  
 و خیابانها دیدیم که در جوشان بیستی مخصوص بنجو  
 شان می کشید و از بس بیری صاحب منصب و از قزاقی  
 صاحب منصب سیاه با کمال نظام می رفتند در میان  
 ایشان مردان و زنان و پسران را طالع بودند که با آلات

سرود و صداهای بلند از علین و اسباب  
 خلق کثیری ایشان منظم و از قزاقی ایشان روان شده  
 بدون نظام بعضی مزاحم بعضی بودند و بر یکدیگر تقدم  
 می نمودند اما گروه سیاه نجات در میان شور و

غوغا و ازدحام پیوسته دسیر و حرکت بود و از  
 اطراف وجوایب ایشان مراد فی پراکنده کشته  
 شدند و فی باخود حمل داشتند که باغضامی دراز  
 صندوقها را بلند کرده نزدیک بدینجا و روز سه  
 عسارت یاشرفات و سردیوارها رسا بده مردم  
 را برای عطا آگاهی میدادند و هر کس میخواست  
 چیزی بدهد و مایل غشش و احسان بود هر چه  
 میخواست در شرفات صندوق می دادند تا اینکه  
 رسیدند بکوچه و محلی که از دهی از مردم بود

توقف نموده و خطیبی از زبان ایشان ایستاده مردم  
 را بدلیل که حاضر کرده بود دعوت بجماعت و محبت  
 بسبب ایان میداد و چنان بود که هر زمان قرعه  
 اش خیانت و ناسق میکرد حس و احساس مردم  
 را نسبت خطا میداد و تهمت می نهاد و هر گاه از  
 حاجت و پرهیزان باز میماند بر مدارج صحت می افزود  
 و چنان بلکی بر می آورد که گوشه را کر می کرد  
 و ارواح را از راه سماخ بدر ( پس بشوق و زنجیری  
 فکر از صوت حیر چنان دلباکرد که گفتی که

دهیدن فتنه در صورت است و قبل از یزوت قیور  
 روح از هیبت آن هارب و نفور اما خطیب دم از  
 وعظ فرو بست تا آنکه آن ساحت را چون پستان  
 بر اهل و آبدی دید که در آن جز صوت خود آوازی

نمی شنید و در اطراف خود جز رجال و اصحاب  
 خویش صستی نمیدید پس بر کشتند بطواف  
 و گردش و اهل صندوق و عساری تحمیل و طلب  
 مال صندوق و عصاها را از دسیر بدر بیکر و از  
 روزنه و منظر بی روزنه و منظر دیبکر میدیدند  
 و باز هر جا از دهی میدیدند توقف عوده مردم  
 را بوعظ و بند میکردند مردم باز از چنگ ایشان  
 فرار میکردند

این دباب و عادت ایشان بود علی الخصوص در روز  
 های یکنشبه و عبادت دینها و ولکها و نزهات  
 رفتن بکار نماز و تحصیل نیاز میبندادند یعنی پس  
 از افغانه صلوات اخذ کرده میبندادند و از آن مردم  
 اتفاق میکردند

در مطیبه شرعی

طبع رسیده